

درباره دعوت جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در «جلسه مشورتی نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در مسکو» که در مارس سال ۱۹۶۵ تشکیل شده بود. پس از مشاورات دوجانبه با یکدیگر اطلاعیه زیر را در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر منتشر ساختند. این اطلاعیه در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۷ در روزنامه «پراودا» و روزنامه های ارگان سایر احزاب برادر انتشار یافته است.

و مقامات رهبری خود و نیز در جریان مشاوره با یکدیگر موافقت خود را با برگزاری جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری برای تحکیم وحدت جنبش کمونیستی و نیز برای پیوستگی صفوف تمام نیروهای سوسیالیستی و دموکراتیک در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه رهائی ملی و اجتماعی ملل و تأمین صلح جهانی ابراز داشته‌اند.

یادی از جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۵

هر سال شاه و رژیم وی روز ۲۱ آذر تحت عنوان «روز نجات آذربایجان» مراسمی بر پای میدارند. در خود همین عنوان «نجات آذربایجان» مغالطه مهمی انجام میگردد. آنچه که در روز ۲۱ آذر رخ داده است در آغاز پیروزی يك جنبش دموکراتیک خلقی در آذربایجان ایران و سپس سرکوب خونین آن جنبش بدست نیروهای متحد ارتجاعی و استعماری بود.



رفیق فرانسوی مسئول غرفه های بین المللی در جشن «اومانیته» بعد از بازدید از غرفه ها گفت: «غرفه حزب توده ایران زیبا ترین غرفه بین غرفه های بین المللی جشن است»

ما بنام مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

«در حال حاضر عده زیادی از احزاب کمونیست و کارگری ضمن قراردادهای کنگره

بدعوت «انستیتیوی جنبش کارگری جهانی» از یازدهم تا پانزدهم نوامبر ۱۹۶۷ کنفرانس علمی بین المللی تحت عنوان «پنجاهمین سال اکثریت و طبقه کارگر جهانی» با شرکت نمایندگان بیش از هفتاد حزب کمونیستی و کارگری در شهر مسکو تشکیل گردید. بدعوت انستیتیوی مزبور رفیق رادمنش در این کنفرانس شرکت کرد و سخنرانی زیر را ایراد نمود:

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

و نقش آن در جنبش رهائی بخش ملی کشور ما

خصوصیات جنبش کارگری در ایران

بیدایش و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران در شرایط نفوذ سرمایه های خارجی و سلطه مناسبات فئودالی و وجود رژیم استبدادی از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز میگردد. نفوذ سرمایه های خارجی مانع شد که انباشت اولیه سرمایه ملی در تولید صنعتی و استخراج منابع طبیعی بکار برده شود. مقدار

قلیلی از آن که در نیمه دوم قرن نوزدهم در تأسیس کارخانه های صنعتی بکار برده شد بزودی بر اثر رقابت کالاهای خارجی که با کیفیتی بهتر و بهائی ارزاتر در بازار های ایران عرضه میشدند و مداخله مستقیم کشورهای استعماری تاب نیاورده از بین رفتند.

با شروع دوران امپریالیسم در دنبال صدور کالا دوران صدور سرمایه در ایران دنباله در صفحه ۲

نامه بوروی کمیته مرکزی

بمناسبت دهمین سال رادیوی پیک ایران

به هیئت تحریریه رادیو پیک ایران

رفقای عزیز!

بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران بشماره های ارجمند هیئت تحریریه رادیوی پیک ایران بمناسبت دهمین سال فعالیت پرثمر این رادیو صمیمانه شاد باش میگوید. طی دهسال گذشته رادیوی پیک ایران

نقشی خطیر در روشن کردن و بسیج افکار عمومی، در افشای رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و انتقاد از اقدامات و نظریات هیئت حاکمه، در دفاع و معرفی جنبش رهائی بخش مردم ایران و مجاهدان و قهرمانان آن در دفاع از حقوق زحمتکشان ایران و مبارزات دنباله در صفحه ۶

بیست و دومین سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

یوگوسلاوی را جمهوری فدراتیو توده ای اعلام کرد. بدینسان ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشور آغاز گردید. قانون اساسی جدید مصوب سال ۱۹۶۳، که منعکس کننده تکامل سیاسی و اقتصادی کشور بود، یوگوسلاوی را جمهوری سوسیالیستی فدراتیو اعلام کرد.

مردم، حزب کمونیست و دولت یوگوسلاوی در جریان ساختمان جامعه دنباله در صفحه ۵

روز ۲۹ نوامبر ۱۹۶۷ بیست و دو سال از استقرار حاکمیت خلق در یوگوسلاوی میگذرد. شالده حکومت نوین یوگوسلاوی در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ یعنی هنگامیکه تقریباً يك سوم خاک یوگوسلاوی از نیروهای فاشیستی پاک شده بود، در دومین اجلاس سازمان ضد فاشیستی نجات ملی یوگوسلاوی ریخته شد. دو سال بعد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۵ مجلس مؤسسان (اسکوبشینا) یوگوسلاوی در مشور مصوبه خود

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

آغاز می‌گردد. انگلستان و روسیه تزاری و کشورهای دیگر اروپائی به تحمیل قرضه‌های کمربشکن و تحصیل امتیازات و انحصار هائی در ایران و کسب حقوق (کاپیتولاسیون) نائل می‌گردند. باین ترتیب اهرمهای مهمی از اقتصاد کشور را در دست می‌گیرند و ایران به کشوری وابسته تبدیل می‌گردد.

عوامل مزبور تولید صنعتی و کشاورزی را در کشور بشکل ناهنجاری سوق میدهد و به تبعیت از چنین وضعی است که پرورنده پیدایش و شکل‌گیری طبقه کارگر و جنبش کارگری در کشور ما دارای خصوصیات چندی است و ما سعی میکنیم برخی از جهات آنرا ذیلاً توضیح دهیم.

در ربع آخر قرن نوزدهم صدها هزار از دهقانان ایرانی بر اثر ظلم و فشار مالکین فئودال و آغاز پرورنده قشری در روستاها که بفق و بیکاری دچار شده بودند برای جستجوی کار بنواحی قفقاز مهاجرت دائم یا موسمی نمودند با افکار سوسیال دموکراسی در قفقاز آشنائی یافتند و نخستین ناقلین افکار مزبور به ایران بوده اند.

از سوی دیگر در مؤسسات خارجی در ایران مانند مؤسسات نفت در جنوب و در مؤسسه شیلات در شمال نخستین گروه های کارگیری صنعتی در داخل کشور بوجود می‌آیند. باین ترتیب کارگران صنعتی در کشور ما قبل از بورژوازی صنعتی پیدا میشود. کارگران صنعتی ایران در مؤسسات خارجی در داخل و در خارج کشور بوجود می‌آیند. این امر بخودی خود در رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران تأثیر فراوان داشته است.

سوسیال دموکراسی انقلابی در ایران

نخستین تأثیر پیوند جنبش کارگری ایران با جنبش سوسیال دموکراسی در روسیه تزاری در انقلاب مشروطیت ایران ظاهر میگردد. رهبری انقلاب در تبریز که یکی از مهمترین کانون های انقلاب مشروطیت ایران بوده است با گروه مخفی ای صورت میگرفت که از طریق کارگران مهاجر ایرانی در قفقاز با سوسیال دموکراسی قفقاز رابطه داشته است. در رشت کانون دیگر انقلاب مشروطیت نیز با سوسیال دموکراسی قفقاز رابطه نزدیک داشته است. اورژنی کیدزه که از جانب سوسیال دموکرات های قفقاز بگیلان آمده بود باشکاهای بن المللی و کلوبهای سیاسی کارگران و صنعتگران تشکیل داد. در این سازمانها که اولین سازمانهای سوسیال دموکرات در ایران بود، ایده‌های مارکسیستی میان زحمتکشان تبلیغ میشد.

طبق اسنادی که در این اواخر در مطبوعات شوروی انتشار یافته است معلوم میشود که گروههای سوسیال دموکرات در تبریز از یک سو با بلخانوف و از سوی دیگر

با کائوسکی مکاتبائی رد و بدل میکردند و مشکلات خود را بارهبران آنروزی سوسیال دموکراسی در روسیه و غرب بمان میگذاشتند. باین ترتیب می‌بینیم که جنبش کارگری در ایران از همان آغاز قرن حاضر با جنبش سوسیال دموکراسی و نهضت کارگری در روسیه تماس و پیوند نزدیک داشته است و از همین طریق است که برای نخستین بار ایده های مارکسیستی بایران راه می‌یابد.

از سوی دیگر مشاهده میکنیم که جنبش کارگری در ایران از همان آغاز پیدایش خود با جنبش رهائی بخش ملی درهم می‌آمیزد و کارگران ایران در جنبش رهائی بخش ملی کشور ما مقام خاصی احراز میکنند و نقش مهمی در رهبری آن ایفاء مینمایند.

کارگران مهاجر ایرانی که در قفقاز دوش بدوش کارگران قفقاز و برادران ارشد روس خود در مبارزه علیه تزاریسیم شرکت داشته اند در ۱۹۱۶ سازمان مستقل خود را بنام «حزب عدالت» در باکو تشکیل دادند. زفت و آمد کارگران ایران به قفقاز و حزب عدالت سازمان سیاسی کارگران مزبور در انتقال مارکسیسم - لنینیسم بایران نقش مهمی را بازی کرده است.

شعب حزب عدالت در ایران در شهر های رشت، زنجان، آستارا و انزلی تشکیل گردید. همین حزب عدالت است که در نخستین کنگره خود در ژوئن ۱۹۲۰ نام «حزب کمونیست ایران» را بخود میگردد.

جنبش کارگری ایران پس از انقلاب اکتبر

انقلاب اکتبر کشور ما را از خطر اضمحلال حاکمیت و استقلال نجات میدهد، از یوغ امپریالیسم تزاری آزاد میسازد. حکومت شوراهای لغو قراردادهای اسارت بار و صرف نظر کردن از کلیه مطالبات و امتیازات خود مقدمات لازم را برای آزادی ایران از یوغ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم فراهم ساخت.

در تحت تأثیر مستقیم انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکتبر و با تشکیل حزب کمونیست ایران جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در ایران وارد مرحله جدیدی میگردد. کمونیست های ایران که در مکتب مارکسیسم - لنینیسم در قفقاز تربیت یافته بودند توانستند در جنبشهای رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ - ۱۹۱۸ که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اکتبر در استانهای شمالی ایران بقیام مسلحانه علیه امپریالیسم انگلستان و استبداد شاهان قاجار تبدیل گردیده بود نقش مهمی ایفاء نمایند.

تحت تأثیر مستقیم انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکتبر جنبش کارگری در سراسر ایران سازمان میابد. در اغلب مراکز کارگری اتحادیه های کارگری تشکیل گردید. برای نخستین بار اتحادیه کارگران مطابع در تهران که شماره اعضا آن بدو هزار میرسید. در ۱۹۱۸ اعلام اعتصاب عمومی میدهد. اعتصاب با پیروزی خاتمه میابد، با

اصل قرارداد دسته جمعی و ۸ ساعت کار موافقت میشود. اتحادیه های کارگری در تهران علاوه بر خواسته های اقتصادی دارای شعار های سیاسی نیز بوده اند. مهمترین این شعارها اخراج انگلیسها از ایران و برکناری دولت وثوق الدوله، عاقد قراردادی که ایران را عملاً به مستعمره انگلستان تبدیل مینمود، بوده است.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز تأسیس خود بعضویت انترناسیونال سوم کک لنین بزرگ آنرا بنا گذاشت پذیرفته شد.

این خود گام مهمی در تحکیم سازمانی و ایدئولوژیک جنبش کارگری ایران بوده است. جنبش رهائی بخش ملی سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۱۸ سر کوب شد ولی اثر عمیق خود را در آگاهی خلقهای مهن ما گذاشت. تمام جریان بعدی جنبش کارگری و رهائی بخش ملی در کشور ما نشان دهنده آنست که با انقلاب اکتبر عصر انقلابهای ملل ستمکش علیه امپریالیسم و ارتجاع آغاز میشود، عصری که پروولتاریا بمثابه نیروی مستقل و با شعارها و حزب خود وارد صحنه مبارزات سیاسی شده و به بزرگترین نیروهای انقلاب مبدل گشته است.

در نیمه دوم سالهای ۲۰ و سالهای ۳۰ اثبات سرمایه های دولتی و خصوصی صرف تأسیس یکمده کارخانجات صنایع سبک گردید. راه آهن سرتاسری ایران ساخته شد، شماره کارگران و مراکز تجمع کارگری در ایران افزایش یافت. روشنفکران تازه ای از طبقات متوسط که با افکار مارکسیستی - لنینیستی آشنائی یافته بودند پیدا شدند و زمینه مساعد جدیدی برای بسط نفوذ مارکسیسم - لنینیسم در کشور ما فراهم گردید و با آن جنبش کارگری رشد و توسعه بیشتری میابد. اعتصابات کارگری در مؤسسات نفت خوزستان و در کارخانه نساجی اصفهان تحت رهبری مستقیم حزب کمونیست ایران از صفحات درخشان تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در این دوران است.

مرحله جدید جنبش کارگری در ایران

جنبش کارگری و رهائی بخش ملی از همان سالهای نخستین دومین جنگ جهانی وارد مرحله جدیدی از رونق خود میگردد. حزب توده ایران وارث سنن انقلابی خلقهای ایران بوسیله عناصر مترقی که در زندانها و تبعیدگاهها بودند تشکیل میشود و در مدت کوتاهی از چند حوزه کوچک به یک جریان عظیم اجتماعی تبدیل شده و در رأس جنبش رهائی بخش ملی خلقهای ایران قرار میگردد.

در سالهای جنگ تحت رهبری حزب توده ایران برای نخستین بار شورای متحده مرکزی کارگران تشکیل میگردد و اکثریت مطلق کارگران ایران در صفوف آن متشکل میگرددند موازی با تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگری، اتحادیه دهقانی نیز تحت رهبری حزب توده ایران تشکیل گردید. باین ترتیب حزب توده ایران

پس از چند سال فعالیت خود به حزب توده ها تبدیل گردید. طبقات و اقشار مترقی جامعه ایران: کارگران، دهقانان، روشنفکران، جوانان و زنان را در سازمانهای جداگانه متشکل ساخت. کارگران و زحمتکشان ایران در این دوران بوقیتهائی نائل شدند از جمله برای نخستین بار در ایران قانون کار که حقوق کارگران را تا درجه زیادی تضمین نمود به تصویب رسید.

دوران اوج و حضض جنبش

جنبش رهائی بخش ملی در کشور ما در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ دوباره باوج میرسد، ایران به یکی از حلقه های ضعیف امپریالیسم در خاور میانه تبدیل شده و صنایع نفت ایران ملی میگردد. حزب ما نقش مؤثری در حوادث ملی کردن صنایع نفت در سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱ داشته است. در این مرحله مانند مراحل دیگر جنبش کارگری ایران با جنبش رهائی بخش ملی درهم می‌آمیزد. امپریالیسم و ارتجاع ایران منافع سیاسی و اقتصادی خود را در خطر دیدند که کودتای اوت ۱۹۵۳ دست زدند که منجر به سقوط حکومت دکتر مصدق گردید. سازمانهای ملی و دموکراتیک از هر گونه فعالیت آزاد محروم میگرددند، ترور پلیسی بی سابقه ای در کشور ما حکمفرما شد و به همه پیروزی های خلقهای ایران که بر اثر مبارزات گذشته بدست آمده بود قلم بطلان کشیده شد.

خصوصیت عمده این دوران دولتی شدن احزاب و اتحادیه های کارگری است احزاب و اتحادیه های کارگری دولتی براهنده ای از سازمانهای دولتی تبدیل میگرددند. بسیاری از مزایای پیشین طبقه کارگر ایران که بر اثر مبارزات طولانی در قانون کار تصریح شده بود یکی پس از دیگری با دست برد های پی در پی در قانون مزبور حذف میشود. مبارزه در درون اتحادیه های کارگری دولتی برای تبدیل اتحادیه های مزبور به اتحادیه های واقعی یکی از مبارزات اساسی کارگران ایران است.

سیاست «کارگری» رژیم کنونی

رژیم ترور و پلیسی در کشور ما مانند کشورهای نظیر با یکسلسله تظاهرات عوامفریبانه نیز همراه است. مثال برجسته آن قانون باصلاح سهمین شدن کارگران در سود کارخانهها است. زمامداران ایران در اطراف «قانون» مزبور هیاهوی زیادی را انداخته اند. واقعیت آنست که از دوازده هزار کارگاه و کارخانه های ایران که بشیر از ده نفر کارگر دارند تنها چندصد کارخانه کارگاه ملی از این باصلاح قانون استفاد میکنند و سالیانه بدریافت مبلغ بسیار ناچیز نائل شده اند. در کارخانجات دولتی و تمام کارخانه ها و مؤسسات خارجی که مراکز عمده تجمع کارگران ایران هستند از قانون مزبور اثری نیست. «قانون» مزبور به سبب در مبارزه کارگران برای افزایش مزد تبدیل شده است.

گرایش های نوین در اقتصاد ایران

و انعکاس آن در قشر تندی سرمایه داران

در اقتصاد ایران، در دهه های گذشته، شاهد تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی بوده ایم. این تغییرات، در نتیجه تحولات داخلی و خارجی، و نیز به واسطه تأثیرات بین المللی، در پی گرفته شده است. در این مقاله، به بررسی گرایش های نوین در اقتصاد ایران، و انعکاس آن در قشر سرمایه داران، پرداخته می شود.

در سال های اخیر، در باره جوانی مختلف اقتصاد کشور، تشکیل شده اند. فقط برای تعیین سیاست اقتصادی رژیم و تحولات پیش آمده در آن، دارای اهمیت است. بلکه برای مشخص ساختن تحولات و گرایش های هم که در خود اقتصاد کشور پدید آمده است و نیز برای بررسی موقعیت و موضوع گیری نیروهای اجتماعی مسلط بر سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور نیز حائز اهمیت فراوان است. در میان این گرایش ها، کنفرانس های سالانه اتاق های بازرگانی کشور، مقام خاصی دارد، زیرا منعکس کننده اهم تحولات و گرایش ها و موضع گیریهاست. در کنفرانس های اتاق های بازرگانی ایران، مسائل گوناگون با دامنه های گوناگون مطرح شده است. موقعیت و مقام بازرگانی (بویژه بازرگانی خارجی) و رشته های تولیدی (بویژه رشته های صنعتی) در اقتصاد کشور، تحولات و گرایش های پدید آمده، در تناسبات و مناسبات آنها، دشواریها و تقاضاهای بازرگانان و صاحبان صنایع و سیاست رژیم در این زمینه ها، مقام و نقش بخش های دولتی و خصوصی (سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی)، مناسبات و موضع گیری نمایندگان این بخشها (نمایندگان دولت و نمایندگان سرمایه داران) - از مهمترین مسائل مطرح شده در این کنفرانس ها بوده است. بررسی این مسائل میتواند از جوانب و مقاطع مختلف انجام گیرد. ما فقط به بررسی خطوط کلی تحولات حاصله در بازرگانی خارجی و رابطه آن با پیشرفت صنعتی کشور و انعکاس این تحولات در قشر تندی بورژوازی ایران می پردازیم و بررسی مسائل دیگر را به فرصتهای دیگر موقوف می کنیم.

افزایش واردات و نگرانی وارد کنندگان یکی از متحرک ترین بخش های فعالیت اقتصادی ایران در سالهای اخیر بوده است. چنانکه در برابر ۸ درصد افزایش سالانه تولید ملی طی سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۱، واردات کشور هر ساله ۱۵ درصد افزوده شده است، یعنی آهنگ افزایش واردات کشور تقریباً دو برابر آهنگ رشد تولید ملی بوده است.

علی رغم این افزایش سریع، وارد کنندگان کالا های خارجی از وضع کنونی و سرنوشت آتی خویش اظهار نگرانی میکنند. مثلاً آقای علی اکبر مجلوجی، نایب رئیس اتاق بازرگانی تهران در نخستین کنفرانس اتاق های بازرگانی با اعلام اینکه «گروه کبیری که بکار وارد کردن و فروش کالاهای وارداتی مشغول بوده اند، کار خود را از

دست داده اند» نگرانی همکاران خود را آشکار ساخت. در سومین کنفرانس نیز آقای مهدی مؤتمنی ضمن تأیید این حقیقت که «عده نسبتاً قابل ملاحظه از کار خارج و کارهای آنها رو به کاهش است» و «عده نسبتاً زیاد گله مند هستند و همیشه از وضع بد اقتصادی بازار ناله دارند» از وزارت اقتصاد تقاضای نمود تا «رویه مسالمت آمیزتری نسبت به بازرگانان» اتخاذ کند. کارهای خود را از دست داده اند، اتخاذ نمایند».

در میان افزایش سریع واردات از یکسو و اظهار نگرانی وارد کنندگان از «بیکاری» و «وضع بد اقتصادی بازار» از سوی دیگر، تناقض آشکار وجود دارد. ولی این تناقض ظاهری است. مسئله را عمیقتر بررسی کنیم.

تغییرات حاصله در اقتصاد کشور، در سال ۱۳۴۱ در ۷۷ درصد سرمایه های مجموعه شرکت های ایران را تشکیل میداد. در همین سال، در صد سرمایه های شرکتها را بخود تخصیص داده بودند. این ارقام تسلط بلا منازع سرمایه تجاری را بر سرمایه صنعتی در آن زمان نشان میدهند. ولی این وضع بتدریج دگرگون شد. تا سال ۱۳۴۲ سهم شرکت های بازرگانی تا ۳۳ درصد باین آمد و در عوض سهم شرکت های صنعتی به ۴۴ درصد بالغ گردید. بدین ترتیب طی ۲۸ سال سهم سرمایه های تجاری ۲۳ برابر کاهش یافت و سهم شرکت های صنعتی بیش از ۳ برابر افزایش شد. تغییرات حاصله در سهم رشته های صنعتی و بازرگانی در تولید ملی ایران نیز بالا رفتن نقش صنعت را در قیاس با بازرگانی نشان میدهد. در سال ۱۳۴۰ صنایع (بدون نفت) و بازرگانی هر یک سهمی برابر ۹۳ درصد در تولید ملی داشتند. ولی در سال ۱۳۴۵ سهم صنایع به بیش از ۱۳ درصد بالغ شد و سهم بازرگانی به ۸۵ درصد تقلیل یافت. بدینسان سرمایه تجاری بتدریج تسلط بلا منازع خود را از دست میدهد و فعالیت صنعتی نقش هر چه بیشتر در اقتصاد کشور بدست می آید.

تغییرات حاصله در عاملین بازرگانی خارجی که میزان واردات بعضی از کالاها بطور نسبی و یا مطلق کاهش یابد و حتی در مواردی کاملاً قطع گردد. این نخستین عاملی است که موجب محدود شدن دامنه فعالیت بازرگانان وارد کننده میشود. تغییرات حاصله در ترکیب واردات و سود وسایل تولید عامل دیگری است که موجبات محدود شدن کار بازرگانان وارد کننده را فراهم میسازد. با افزایش قدرت صاحبان صنایع نقش آنان نیز در واردات کالاهای مورد نیاز این صنایع افزایش مییابد. امتیازاتی که دولت برای صاحبان صنایع بوجود آورده است (حتی در مواردی اجازه وارد کردن کالا منوط به داشتن پروانه تولید باشد) همراه با معافتهای گمرکی و بخشودگی سود بازرگانی و غیره که برای وسایل تولید پیش بینی شده است، باعث میشود که واردات کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه و نیمه ساخته هر چه بیشتر در دست تولید کنندگان متمرکز شود.

علاوه بر تولید کنندگان خصوصی، نقش دولت نیز در واردات کشور افزایش مییابد. در سال ۱۳۴۱ فقط ۱۲ درصد و در سال ۱۳۴۵ در حدود ۳۰ درصد ارزش های وارداتی بوسیله سازمانهای دولتی و بطور عمده بوسیله سازمان برنامه و شرکت ملی نفت مصرف گردید، یعنی سهم بخش خصوصی در این مدت از ۸۸ درصد به ۷۰ درصد کاهش یافت.

بنا بر این بازرگانان کمیرادور ایران با دو رقیب بزرگ یعنی تولید کنندگان

داخلی و بخش دولتی روبرو هستند. صنعتی شدن کشور و افزایش نقش دولت محدودیت های معینی برای بازرگانان وارد کننده بوجود آورده است. از اینجاست که بازرگانان وارد کننده علیرغم افزایش سریع واردات هر چه بیشتر از «بیکاری» و «وضع بد اقتصادی بازار» مینالند و آقای خسرو شاهی در دومین کنفرانس اتاق های بازرگانی طلب میکند که «تحرک و قدرت بخش دولتی نباید سبب شود کار و فعالیت که بخش خصوصی قادر با اجرا و انجام آن است در انقیاد و محور کار دولت در آید» و در سومین کنفرانس از اینکه «تولید کننده و بازرگان و صادر کننده در مزیت یکدیگر داخل شده اند» شکایت میکند و «تقسیم کار بین بخش های مختلف اقتصادی» را خواستار میشود.

از آنچه گفته شد چنین برمی آید که افزایش واردات ایران از کشورهای امریالیستی، اگر چه وابستگی ایران را با محصولات خارجی حفظ کرده است، ولی در عین حال به معنای بالا رفتن نقش بازرگانان کمیرادور در اقتصاد کشور نیست، بلکه بر عکس توأم با تضعیف مواضع آنان است.

تغییرات حاصله در بورژوازی ایران اقتصادی و بازرگانی ایران تحولات معینی را در بورژوازی ایران باعث شده است. گروه های معینی از بورژوازی صنعتی ایران که اکنون از لحاظ قدرت مالی نسبتاً نیرومند شده اند، بتدریج خود را از وابستگی به بازرگانان کمیرادور رها میسازند. ولی آنان در عین حال بعزت رشد ناهنجار و ناهماهنگ اقتصاد ایران ناگزیر باید مقادیر هنگفتی از کالاهای مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند و بطور مستقیم با انحصارات خارجی رابطه برقرار سازند و بدین نحو خود نوعی تولید کننده کمیرادور بدل شوند.

گروه های معینی از بازرگانان کمیرادور نیز که سرمایه کافی گرد آورده اند برای دمساز شدن با وضع اقتصاد کشور با همان شرایط بورژوازی صنعتی به تولید داخلی رو می آورند و خود به کمیرادور تولید کننده بدل میشوند.

برخی دیگر از صاحبان سرمایه با استفاده از حمایت دولت از سرمایه گذارهای خارجی سرمایه خود را با سرمایه های انحصاری در می آمیزند و با ایجاد سرمایه های مختلط به عامل وارد کننده سرمایه یا کمیرادور صنعتی بدل میشوند.

این سه گروه که یا از لحاظ منشاء فعالیت اقتصادی خود (ابتدا بازرگان صرف و یا تولید کننده صرف بوده اند) و یا از لحاظ نحوه ارتباط خود با انحصارات خارجی (از طریق خرید وسایل تولید، یا از طریق سهم شدن در وسایل تولید) با هم تفاوت دارند و این امر میتواند در موضع گیری آنان مؤثر باشد، بهر حال در ماهیت خود یکسانند و دنباله در صفحه ۴

تغییرات حاصله در بورژوازی ایران اقتصادی و بازرگانی ایران تحولات معینی را در بورژوازی ایران باعث شده است. گروه های معینی از بورژوازی صنعتی ایران که اکنون از لحاظ قدرت مالی نسبتاً نیرومند شده اند، بتدریج خود را از وابستگی به بازرگانان کمیرادور رها میسازند. ولی آنان در عین حال بعزت رشد ناهنجار و ناهماهنگ اقتصاد ایران ناگزیر باید مقادیر هنگفتی از کالاهای مورد نیاز خود را از خارج وارد کنند و بطور مستقیم با انحصارات خارجی رابطه برقرار سازند و بدین نحو خود نوعی تولید کننده کمیرادور بدل شوند.

گروه های معینی از بازرگانان کمیرادور نیز که سرمایه کافی گرد آورده اند برای دمساز شدن با وضع اقتصاد کشور با همان شرایط بورژوازی صنعتی به تولید داخلی رو می آورند و خود به کمیرادور تولید کننده بدل میشوند.

برخی دیگر از صاحبان سرمایه با استفاده از حمایت دولت از سرمایه گذارهای خارجی سرمایه خود را با سرمایه های انحصاری در می آمیزند و با ایجاد سرمایه های مختلط به عامل وارد کننده سرمایه یا کمیرادور صنعتی بدل میشوند.

این سه گروه که یا از لحاظ منشاء فعالیت اقتصادی خود (ابتدا بازرگان صرف و یا تولید کننده صرف بوده اند) و یا از لحاظ نحوه ارتباط خود با انحصارات خارجی (از طریق خرید وسایل تولید، یا از طریق سهم شدن در وسایل تولید) با هم تفاوت دارند و این امر میتواند در موضع گیری آنان مؤثر باشد، بهر حال در ماهیت خود یکسانند و دنباله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۳

گرایش های نوین در اقتصاد ایران و انعکاس آن در قشر بندی سرمایه داران

قشر بورژوازی بزرگ صنعتی ایران را تشکیل می دهند.

گروه های دیگری از بازرگانان وارد کننده که رشته فعالیت آنان هنوز دچار این «نوگرایی» نشده است مشابه قشر کمپرادور فعالیت خود ادامه می دهند و یا برحسب شرایط نوع کالاهای وارداتی خود را تغییر می دهند.

بورژوازی بزرگ صنعتی و بورژوازی کمپرادور و نیز سرمایه داران بزرگ دیگر بعثت قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی خود قادر به زمینی شدن در چارچوب تناقضات و رقابت های خاص جهان سرمایه داری هستند. در این مورد پیام اطباق صنایع و معادن که مدافع منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی است به سومین کنفرانس اطباق های بازرگانی شایان توجه است. در این پیام گفته میشود: «واضح است که توسعه صنایع داخلی لزوماً موجب رکود و کاهش فعالتهای بازرگانی نمیشود... منتهی فعالتهای بازرگانی باید با نیاز مندیهای واقعی کشور منطبق و هماهنگ شود... بدین جهت بین صنایع و بازرگانی بجای افتراق و رقابت باید وحدت و هماهنگی برقرار شود تا از طریق همکاری متقابل صاحبان صنایع و بازرگانان منافع عالی کشور تأمین گردد».

رژیم موجود نیز که قشر های بالایی بورژوازی را تکیه گاه عمده اجتماعی خود قرار داده است و در تمام اقدامات خود میکوشد هم منافع بورژوازی بزرگ صنعتی و هم منافع بورژوازی کمپرادور را حفظ نماید، برای کاستن از حدت تضادهای موجود میان این دو قشر تلاشهایی بعمل می آورد. چنانکه آقای هوییدا در دومین کنفرانس اطباق های بازرگانی ایجاد کمیته مشترکی از اطباق بازرگانی تهران و اطباق صنایع و معادن را بعثت آنکه «اجرای بسیاری از وظایف قانونی که بعهد هر یک این دو اطباق محول است با منافع دیگری تماس میابد و چه بهتر که قبل از طرح با دولت در یک مرجع عالی بین تشکیلات ذینفع مورد تبادل نظر قرار بگیرد» ضروری شمرد.

و بخشودگی سود بازرگانی و غیره ایجاد میکند، بطور عمده شامل سرمایه های کلان میشود و سرمایه های کوچک و متوسط عملاً از آن بهره مند نمیشوند. کوششهای دولت در زمینه تشویق و تقویت شرکتهای بزرگ نیز بتوجه خود شرایط مساعد تری برای ورشکستگی خرده بورژوازی و تسلط سرمایه های بزرگ بر بورژوازی متوسط فراهم میسازد. آقای ابو القاسم خرد جو، مدیر عامل بانک توسعه صنعتی در سخنرانی خود در سومین کنفرانس اطباق های بازرگانی ضمن تشریح تحولات حاصله در اقتصاد کشور باین نتیجه رسید که در شرایط موجود «... فقط شرکتهای بزرگ میتوانند باقی بمانند و صاحب صنعت کوچک در تنازع بقاء به نیستی رانده میشود». منافع خرده بورژوازی و بورژوازی با منافع صاحبان صنایع بزرگ و بازرگانان کمپرادور کاملاً متضاد است و این قشرها در میدان رقابت کالاهای وارداتی و یا کالا های تولید کنندگان بزرگ داخلی و در نتیجه تعدی و اجحاف بازرگانان کمپرادور دچار شکست و تجزیه میشوند و هر چه بیشتر استقلال خود را از دست میدهند و تحت تسلط سرمایه های بزرگ قرار میگیرند.

بازرگانی خارجی
عمل رشد نامنجان
و وابستگی ایران

به گسترش بیشتر دامنه تولید کالایی - پولی کمک میکند، ارکان مناسبات کهنه را متزلزل میسازد و شرایط لازم برای رشد تولید کالایی سرمایه داری فراهم میآورد. بیش از آنکه تولید سرمایه داری بر جامعه مسلط شود، سرمایه تجاری بطور مستقل رشد میابد و عملاً تولید را تابع خود میسازد. با پیدایش تولید سرمایه داری و بسط دامنه آن، سرمایه تجاری رشد مستقل خود را از دست میدهد و خود تابع سرمایه داری میگردد و بقول مارکس بخادم و عامل سرمایه تولیدی بدل میشود. رشد مستقل سرمایه تجاری با تکامل اقتصادی جامعه رابطه معکوس دارد و این رابطه را مارکس از قانونمندیهای تکامل اقتصادی جامعه می شناسد.

تسلط تدریجی سرمایه صنعتی بر سرمایه تجاری در ایران و تغییر ترکیب کالاهای وارداتی بمقتضای نیاز مندیهای رشد صنعتی کشور ناشی از همین قانونمندی است. ولی چون ایران در معرض تهاجم کالاها و سرمایه های خارجی قرار دارد، در نحوه بروز این قانونمندی چه در گذشته و چه در حال ویژگی های معین مشاهده میشود.

در مراحل اولیه رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، بازرگانی کمپرادور نقش قابل ملاحظه ای در بازرگانی ایران بدست میآورد. در چنین شرایطی بازرگانی اگرچه ارکان اقتصاد طبیعی را در ایران متزلزل

میسازد و بابه های تولید خانگی و پیشه وری را درهم میریزد، ولی به پیشرفت تولید صنعتی بشیوه سرمایه داری منجر نمیشود. در این دوران بازرگانی بجای آنکه شرایط لازم برای رشد تولید کالایی سرمایه داری فراهم سازد، در راه آن دشواری بوجود میآورد. در چنین شرایطی سرمایه تجاری وابسته به انحصارات نقش مستقل در اقتصاد کشور دارد و بازرگانان کمپرادور بیکه تاز میدان اقتصاد کالایی کشور هستند.

از آنجا که هیچ نیروئی قادر بجلو گیری از تأثیر قوانین اقتصادی در جامعه نیست، نفوذ انحصارات خارجی نیز غیرعزم تمام دشواریهایی که در راه رشد اقتصادی کشور بوجود میآورد، نمیتواند مانع تأثیر جبری این قوانین گردد. اقتصاد کشور بویژه تولید صنعتی گریچه بکندی و نا استواری، ولی بتدریج پیش میرود و شرایط برای پیشرفت نسبتاً سریعتر تولید سرمایه داری فراهم میآید. با اینهمه رشد اقتصادی کشور در این مرحله نیز تحت فشار عوامل خارجی قرار دارد و زیر

نفوذ انحصارات دول امپریالیستی انجام میگردد. عوامل خارجی مهر و نشان خود را در اقتصاد کشور باقی میگذارد: رشد صنعتی کشور وابسته بانحصارات خارجی است و تجدید تولید اجتماعی به طفیل تجدید تولید کشور های امپریالیستی انجام میگردد. وابستگی کشور باعث میشود که رشد اقتصادی همه جانبه و هماهنگ انجام نگردد و میان تولید وسائل تولید و تولید وسائل مصرف عدم تناسب فاحش بوجود آید. رژیم که خود نمره این وابستگی است، میکوشد این ناهماهنگی و عدم تناسب را از طریق واردات کالا از کشورهای امپریالیستی بر طرف سازد. تغییر ترکیب واردات کشور بسود وسائل تولید که رژیم از آن به نفع خود استفاده تبلیغاتی میکند و گاه موفق به فریب میگردد، نه فقط باین ناهماهنگی و عدم تناسب پایان نمی بخشد، بلکه وابستگی اقتصادی کشور جنبه خطرناکتر و مهلکتر میدهد. زیرا این وسائل بطور عمده در گذشته بطور عمده کالاهای مصرفی کشور در کف اختیار انحصارات بود، اکنون سرنوشت صنایع نارس و آینده جمع کثیر و روز افزون کارگران و کارمندان این صنایع به کشورهای امپریالیستی وابسته شده است. دولت برای ایجاد صنایع تولید کننده وسائل تولید (بخصوص ابزار تولید) در حدود امکانهای واقعی کشور و بی نیاز ساختن ایران از کشورهای امپریالیستی تقریباً گامی برنداشته است. بدیهی است که انحصارات خارجی در ایجاد صنایع سنگین و بخصوص صنایع تولید کننده ابزار تولید در ایران ذینفع نیستند و گامهایی که بناچار در این راه برمیدارند در راه ایجاد رشته های کلیدی نیست و توأم با نفوذ مستقیم سرمایه های انحصاری است.

از سوی دیگر تکیه دولت بیازرگانی پاپایابی با کشورهای سوسیالیستی که برخلاف کشورهای امپریالیستی آماده ایجاد صنایع

حیاتی در ایران هستند، مانع استفاده کامل از امکاناتی میشود که کشورهای سوسیالیستی حاضرند در اختیار ایران بگذارند. زیرا دامنه صادرات کشور با وجود آمادگی کشورهای سوسیالیستی بخرید محصولات صنعتی ایران بسیار محدود است و تکیه به بازرگانی پاپایابی و عدم استفاده از ارز های آزاد برای احداث صنایع سنگین بکمک کشورهای سوسیالیستی عملاً بمعنای ایجاد سد در راه صنعتی شدن واقعی کشور است.

سیاست رژیم که متوجه آشتی دادن منافع صاحبان صنایع بزرگ با منافع بازرگانان کمپرادور و نیز هماهنگ ساختن منافع تولید کنندگان بزرگ داخلی با منافع انحصارات امپریالیستی است، نمیتواند پاسخگوی منافع زحمتکشان و موافق مقتضیات رشد اقتصادی کشور باشد.

مسعود

قابل توجه علاقمندان به نشریات توده

بنا بقاضای خوانندگان گرامی، و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد. ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند:

- بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند.
 - خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند.
 - خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند.
 - مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند.
- نام نشریه
- ماهنامه مردم ۱۰۰ ریال
 - مجله دنیا ۴۰۰۰
 - مجله مسائل بین المللی ۲۰۰
 - مانیفست ۴۰
 - سرمایه (هر جلد) ۴۰
 - لودویگ فویرباخ ۴۰
 - دولت و انقلاب ۴۰
 - منتخبات آثار لنین (هر جلد) ۲۰۰
 - برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی ۲۰
 - اصول فلسفه مارکسیسم ۲۰
 - آخرین دفاع روزبه ۲۰
 - باد داشتهای فلسفی و اجتماعی ۴۰
 - گفتمانات ۴۰
 - خان و دیگران ۱۰
 - یادنامه شهیدان ۲۰
 - رژیم ترور و اختناق ۱۰
 - خیانت او و پوتن ۲۰

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
شماره حساب بانکی
C-1265-5

برخی جهات رشد و تکامل جنبش کارگری در ایران

پیدایش قشر موسوم به «اشرافیت کارگری» خصوصیت دیگر جنبش کارگری در شرایط کنونی کشور ما است. کارگران مزبور از امتیازات زیادی برخوردارند و وظیفه آنها بی محتوی کردن جنبش کارگری و دفاع و تبلیغ از رژیم موجود است. برای تکمیل عوامفریبی افراد نادری از این قشر در انتخابات قلابی به کرسیهای مجلس ایران راه میابند و از تریبون مجلس شورای ملی برای دفاع و تجلیل رژیم استفاده می نمایند.

برخی تغییرات در سیاست رژیم

بهبود روابط و همکاری فنی و اقتصادی با کشور اتحاد شوروی عنصر جدیدی در سیاست و اقتصاد کشور ما است و مورد پشتیبانی همه جانبه حزب ما قرار گرفته است. اتحاد جماهیر شوروی با ساختن کارخانه ذوب آهن در ایران یکی از آرزوهای ملی ما جامعه عمل میبوشاند. با ساختن کارخانه ذوب آهن پایه های اولیه صنایع سنگین در کشور ما گذاشته میشود.

بطور کلی در سالهای اخیر تحرك در بسط صنایع در بخش دولتی و خصوصی پیدا شده است. سرمایه گذاری بخش دولتی به میزان قابل توجهی بسط یافته است. از طرف کشورها و انحصارهای امپریالیستی نیز سرمایه گذاری های جدید قابل توجهی صورت گرفته است، بخش خصوصی مستقلا و یا با شرکت سرمایه های خارجی دست به يك سلسله فعالتهای جدید صنعتی زده است. بر اثر افزایش آهنگ سرمایه گذاری های دولتی، خارجی و خصوصی در ایران مناسبات سرمایه داری به میزان وسیعی توسعه و رشد مییابد. اصلاح ارضی گرچه بسیار محدود و بطور ناپذیری انجام یافته است معذک پروسه قشر بندی را در روستاهای ایران تسریع کرده است. مناسبات سرمایه داری در روستاها بسط مییابد و پایه های فئودالیسم متزلزل میگردد.

مجموع تغییرات مزبور که در جریان تکوین و تبدیل است در استروکتور اجتماعی ایران تغییراتی میدهد که مهمترین آنها افزایش نسبی شماره کارگران، هجوم دهقانان بشهرها و تسریع در قشر بندی خورده بورژوازی شهرها، پیدایش قشر متوسط و غیره و غیره است. تغییرات مزبور تضاد های تازه ای را در جامعه ما برانگیخته است. از آنجمله تضاد بین بخش خصوصی و بخش دولتی است.

تحرك جدید در اقتصاد کشور، تغییرات خانه و در استروکتور اجتماعی ایران، بهبود روابط ستفاده و همکاری فنی و اقتصادی با اتحاد شوروی چیزی و سایر کشور های سوسیالیستی هجوم جدید و در سرمایه های امپریالیستی تسریع پروسه قشر برآز بندی در روستاها و شهرها پروسه بفرنج و قانون متضادی را در رشد و تکامل اجتماعی و اقتصادی به سندی ایران بوجود آورده است. بفرنجی پروسه ای تبدیل که اکنون در کشور ما میگذرد منشاء يك سلسله اشتباهات و انحرافات از چپ و یا از راست میگردد که باید همواره از آن اجتناب

نمود.

ماهیت رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است

قدر مسلم آنست که تغییرات مزبور در ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم تغییری نداده است. راهی که رژیم میروید همان راه تسریع رشد مناسبات سرمایه داری در وابستگی کامل خود به سیاست و اقتصاد کشور های امپریالیستی است. تغییرات کمی مثبتی که در سیاست و اقتصاد کشور بظهور پیوسته است بدان اندازه نیست که بتواند به تغییر کیفی تبدیل شود و موجبات يك تحول بنیادی عمیق را در جامعه ما فراهم آورد. تبدیل تغییرات کمی مزبور به يك تغییر کیفی مستلزم مبارزه طولانی از جانب نیرو های ملی و دموکراتیک در جامعه ماست و بعلاوه تابع تغییرات بیشتری در تناسب نیروها در صحنه بین المللی بفتح صلح، استقلال، دموکراسی و ترقی است.

شعار مرکزی مادموکراسی است

حزب ما با مطالعه همه جانبه پروسه تحول بفرنج کنونی در جامعه ما شعار دموکراتیزاسیون رژیم را مطرح کرده است. هر اصلاحی که فاقد پایه های توده ای و دموکراتیک باشد خواه ناخواه ناپذیر و نمیتواند وسیع و ریشه دار باشد. از سوی دیگر حزب ما شعار دموکراتیزاسیون اقتصاد کشور را از طریق اصلاح ارضی رادیکال بسود دهقانان، بر انداختن تسلط انحصارهای امپریالیستی در اقتصاد کشور تقویت بخش دولتی و دموکراتیزه کردن اداره آن و محدودیت بخش خصوصی در يك کلمه راه رشد غیر سرمایه داری را مطرح میکند.

هم اکنون اهمیت انتخاب راه رشد در جامعه ما به یکی از مسائل روز مبدل شده است. حزب ما عقیده دارد که سیاست خارجی کشور باید در جهت واقعاً دموکراتیک سیر کند. این امر تنها با خروج از سنت و لغو قرار داد های نظامی دیگر و اتخاذ سیاست بیطرفی و بسط همکاری با کشورهای سوسیالیستی و با همه کشورهای هائی که در راه صلح، استقلال، دموکراسی و ترقی مبارزه میکنند امکان پذیر است.

در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری حزب ما شوقه خرابکارانه و انشعابگرانه گروه مائوتسه دونگ را محکوم میکند، به اسناد مصوب جلسات مشاوره نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ وفادار است و معتقد است که احیاء و استحکام وحدت در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری تنها از طریق تشکیل جلسه مشاوره جدیدی امکان پذیر است.

برخی نتیجه گیری ها

تغییراتی که در نیم قرن اخیر از برکت انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در جهان

در باره دعوت جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری

مشاورات دو جانبه بعمل آوردند. احزاب مزبور بر پایه این مشاورات و بر وفق نظریات و تمایلاتی که در جلسه مارس ۱۹۶۵ ابراز شده بود بر گزاری يك جلسه مشورتی را در فوریه سال ۱۹۶۸ برای تبادل نظر جمعی در باره مسئله دعوت جلسه مشاوره جهانی احزاب کمونیست و کارگری سودمند شمرده اند. ما تمام احزاب برادر را به پشتیبانی از ابتکار دعوت جلسه مشورتی و شرکت در آن میخوانیم.

احزاب ما از کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تقاضا کرده اند امکان برگزاری جلسه مشورتی را در بوداپست فراهم سازد. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان با این تقاضا موافقت کرده است و برای احزاب برادر دعوتنامه ارسال خواهد داشت.



رهبری حزب توده ایران ضمن اسناد مصوبه خودواژه جمله در «نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره تشکیل جلسه مشاوره احزاب برادر» منتشره در شماره ۸۹ دوره پنجم روزنامه «مردم»، مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۴۳ (۶ سپتامبر ۱۹۶۴) و «اعلامیه بوروی کمیته مرکزی درباره اعلامیه جلسه مشورتی نمایندگان نوزده حزب» مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ منتشره در شماره یکم «ماهنامه مردم» و همچنین در مطبوعات حزبی و در اظهارات رسمی نمایندگان مسئول خود بارها ضرورت تشکیل جلسه مشاوره جهانی جدید احزاب کمونیست و کارگری را برای تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و اتخاذ مواضع مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه نبل به هدفهای مشترک تأیید کرده است.

در «نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی» صورت گرفته است در تاریخ بی نظیر است. در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشری نداشته است. در نیمقرن اخیر هیچ حادثه ای در روی رشد و تکامل سیاسی و معنوی میهن ما پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر تأثیر نداشته است.

زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران در طول نیمقرن با اکبر بزرگ رابطه ناگسستی داشته است. حزب ما وارث سنن انقلابی خلقهای میهن ما و مظهر بهترین آرزوهای طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش دوستی خلل ناپذیر و پیوند ناگسستی خود را با حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر پایه سنگ خارای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد بمثابة یکی از بهترین سنت های انقلابی خود پیوسته حفظ کرده و در آینده حفظ خواهد نمود.

صورت گرفته است در تاریخ بی نظیر است. در تاریخ هیچ حزبی مانند حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیچ دولتی مانند اتحاد جماهیر شوروی چنین نقش عظیم و مترقیانه ای در زندگی بشری نداشته است. در نیمقرن اخیر هیچ حادثه ای در روی رشد و تکامل سیاسی و معنوی میهن ما پیش از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر تأثیر نداشته است.

زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران در طول نیمقرن با اکبر بزرگ رابطه ناگسستی داشته است. حزب ما وارث سنن انقلابی خلقهای میهن ما و مظهر بهترین آرزوهای طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش دوستی خلل ناپذیر و پیوند ناگسستی خود را با حزب کمونیست اتحاد شوروی که بر پایه سنگ خارای مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد بمثابة یکی از بهترین سنت های انقلابی خود پیوسته حفظ کرده و در آینده حفظ خواهد نمود.

شوروی «تصریح شده است که: «از زمان جلسه مشاوره سال ۱۹۶۰ مدت زیادی گذشته است و يك سلسله مسائل حاد و مبهم در برابر ما است که تنها از طریق مشورت جمعی احزاب برادر میتوان آنها را بررسی و حل کرد.» در «اعلامیه بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران» مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۴ گفته شده است که: «بهترین و آزموده ترین طریق برای حصول توافق، ایجاد نظیر مشترک و از بین بردن اختلافات در صفوف جنبش جهانی کمونیستی همانا تشکیل جلسه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری است.» حزب توده ایران موافقت خود را با دعوت جلسه مشورتی احزاب برادر اعلام میدارد و به سهم خود برای کامیابی جلسه جهانی جدید نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری خواهد کوشید.

حزب ما بر آنست که تدارک و برگزاری جلسه مشاوره باید بر پایه کوشش برای انجام وظایف مشترک جنبش جهانی کمونیستی و تحکیم اتحاد تمام نیروهای ترقیخواه و دموکراتیک و تقویت مبارزه آنان علیه امپریالیسم انجام گیرد. حزب ما با این نظر که از طرف اکثریت احزاب برادر بارها ابراز شده و همواره مورد تأیید کامل ما بوده است موافقت دارد که هدف جلسه مشاوره مداخله در امور هیچ حزب برادر و بویژه «برکناری» هیچ حزبی از جنبش کمونیستی نیست.

هدف اصلی و شعار عمده این جلسه باید تحکیم جنبش جهانی کمونیستی برای مبارزه مؤثر علیه امپریالیسم و دفاع از مصالح حیاتی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و جنبشهای آزادیبخش خلقها باشد.

ما اعتقاد راسخ داریم که جلسه مشورتی احزاب برادر با مصالح تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه مبارز راه آزادی و استقلال و کلیه مبارزان ضد امپریالیسم مطابقت کامل دارد.

دنباله از صفحه ۱

سالگرد حکومت خلق در یوگوسلاوی

سوسیالیستی بادشوارها و مشکلات گوناگونی روبرو بوده و هستند. ولی آنها علیرغم این دشواریها توانسته اند با مبارزه پیگیر خود طی دوران کوتاه بیست سال یوگوسلاوی را از يك کشور عقب مانده به سطح يك کشور پیشرفته سوسیالیستی برسانند. دشواری های ساختمان سوسیالیسم در یوگوسلاوی هنوز پایان نرسیده است. بهین جهت حزب و دولت میکوشند با رفرمها و اقدامات مشخص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی، صنعت و کشاورزی یوگوسلاوی را مدرنیزه کنند، سطح زندگی مردم را بازم بالا ببرند و دموکراسی سوسیالیستی را بیش از پیش بسط دهند.

ما سالگرد استقرار حاکمیت خلق را در یوگوسلاوی به مردم و جامعه کمونیستها و دولت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگوسلاوی صمیمانه تبریک میگویی و موفقیت روز افزون آنها را در ساختمان سوسیالیسم خواستاریم.

نکته ها

کوسه ریش پهن

در تلاش برای مبتذل کردن لفظ «انقلاب» مجله تهران اکونومیست گام مهم جدیدی برداشته است و برای شرح پر تعلق مراسم تاجگذاری شاه عنوان «تاجگذاری انقلابی» را انتخاب کرده است! اگر قرار باشد تاجگذاری يك شاه انقلابی باشد پس بهمين سبك بدیع «تهران اکونومیست» میتوان گفت: «ارتجاع انقلابی، استعمار انقلابی» و بالاخره «ضد انقلاب انقلابی»!

تقیض گوئی يك متملق

آقای امیرانی با نوشتن جمله: «این تاجگذاری تنها خاص شاه ما نیست، تاجی بر تارک دنیا و تاریخ آنست» در واقع رکورد چیلوسی را شکانده و دست مرحوم ظهیر الدین فاریابی را که نه کرسی فلک را زیر پای قول ارسلان گذاشته بود از پشت بسته است! همین نویسنده متملق در شماره دیگر خواندنیها ضمن وصف توزیع نشان تاجگذاری مینویسد: «بعقیده ما پائین ترین نشانه چون از طرف پادشاه کشور است برای بالاترین مقامات بالا ترین است» ولی از این افتخار چگونه میتوان بهره مند شد و آنرا نشان داد در حالیکه پست ترین سینه ها به بهترین نشانهها آراسته باشد. شاید بهمین مناسبت است که امثال ما باین نشانهها «سینه صاف و ساده و بی غل و غش خود را به سینه ای که سر اسر نشان باشد و از شایستگی و لیاقت در آن کوچکترین نشانی نباشد» ترجیح میدهند.

باید از این آقای متملق پرسید چگونه تاج کسی که نشانش پست ترین، نا شایسته ترین و نالایق ترین سینه ها را میآراید، تاجی است بر تارک تاریخ و آیا اصلا تاج مشوخ شاهان لیاقت آنرا دارد که بر تارک تاریخ گذارده شود؟

بدون تقسیم

تهران اکونومیست در شماره ۲۵ شهریور ماه ۱۳۴۶ خود مینویسد: «هم اکنون موقعیت ایران در جهان متلاطم امروز منحصر بفرود است بنحوی که شرق و غرب برای اولین بار در طول تاریخ رهبری ایران را در خاور میانه و کشورهای اسلامی و آسیائی و افریقائی قبول دارد و اگر این نقش رهبری هنوز بصورت کامل و عالی خود تجلی ننموده است تقصیر آن متوجه برخی از مسئولان کشورهای این ناحیه است چه مقام رهبری ایران از لحاظ تعلیم برنامه های اقتصادی و اجتماعی انقلابی که مورد احتیاج دنیای امروز است آشکار است تا آنجا که نه تنها کشورهای مشابه بلکه کشورهای راقیه جهان نیز از ما درس میآموزند و بنا بر این شرایط اصلی و اساسی در کشور ما برای رهبری این قسمت از جهان موجود است فقط يك چیز باقی میماند و آن استفاده کشورهای ناحیه از این موقعیت ممتاز است.»

دنباله از صفحه ۱

نامه بوروی کمیته مرکزی

دانشجویان ایرانی خارج از کشور، در تحلیل وضع کشور و ارائه شعارها و شیوه های مبارزه، در تأمین وحدت خلقهای ایران در نبرد مشترک علیه استبداد و امپریالیسم، در دفاع از دوستی ایران و شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در افشای و انتقاد از نظریات انحرافی و اشاعه اندیشه رها گر مارکسیسم لنینیسم، در معرفی دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی، در مبارزه با امپریالیسم جهانی در دفاع از صلح و از جنبشهای انقلابی و رهایی بخش خلقهای جهان و از آنجمله و بویژه دفاع از نبرد عادلانه و قهرمانانه مردم ویتنام، ایفاء کرده است.

طی این سالها رادیوی بیگ ایران در واقع روزنامه روزانه کثیرالانتشار حزب ما به سه زبان بوده است که هیچگونه پیگرد پلیسی قادر به منع انتشار آن نبود و بهمین مناسبت توانسته نقش تبلیغی، تهییجی و سازمانده مؤثری را در میان زحمتکشان کشور ما در شرایط تسلط رژیم ترور و اختناق داشته باشد. طی این سالها رادیوی بیگ ایران بحق تریبون کلیه اقوام شرقی و میهن پرست و بانگ رسا و آواز بی بند و قشرهای مختلف مردم ایران بوده و در راه وحدت همه نیرو

رفقا! ما برای شما و برای همه رفقای که طی دهسال گذشته برای کار موفقیت آمیز رادیوی بیگ ایران کوشیده اند و در این فعالیت شرکت ورزیده اند آرزو مند موفقیت درمبارزه میباشیم. بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران

انحطاط

اخیراً آقای دکتر پرویز خانلری استاد دانشگاه، سناتور، وزیر سابق فرهنگ، معلم دربار بمناسبت تاجگذاری شاه، بضمیمه مجله «سخن» ویژه نامه ای مزین و مصور بنام «تاج نامه» نشر داده است تا در غوغای چاپلوسی از شاه مستبد وی نیز بانگ خود را بلند کرده باشد. در مقدمه این ویژه نامه آقای خانلری مطالبی تملق آمیز نوشته و کوشش شده است تا کراحت این تملق را زیبایی خط نستعلیق فرو پوشاند. در این مقدمه از جمله چنین می خوانیم: اهمیت آئین تاجگذاری تا آن درجه بود که در شاهنامه هر جا که نام شاهی تازه بیان میاید فضای به ذکر این آئین و سخنان شاهان در طی مراسم آن اختصاص یافته است. این سخنان شاهانه که روحیه ملی ایرانیان را منعکس می کند در خور آنست که جداگانه مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. جشن فرخنده تاجگذاری اعلیحضرت همایون محمد رضایهوی شاهنشاه آریا مهر و علیا حضرت فرح پهلوی شهبانوی گرامی ایران يك بار دیگر این آئین پرافتخار کهن را نو می کند و ایران امروز را با اعصار گذشته پیوند میدهد. این مطالب را آقای خانلری در آبان ۱۳۴۶ نوشته اند، ولی در مهر ماه ۱۳۴۶ همین شخص در مجله «مردم» ارگان تئوریک حزب توده ایران تحت عنوان «مهرگان نو» مطالب دیگری مینوشت. عبارات او را از صفحه ۷ شماره ۱ نامه مردم نقل می کنیم: «امسال جشن مهرگان ناگهان جلوه گر شده است. حزب توده ایران روز تأسیس خود را با این جشن کهن تطبیق کرده و پس از قرنهای پیری کهنسال را که همه مرده اش سینداشتند، جوانی بخشیده است. اما مهرگان امسال رنگ دیگری دارد. «جشن میران و خسروان» اکنون نزد افراد ایران بیهمانی آمده است. این تغییر رنگ را نشانه تحول تازه ای در جامعه ملت ایران باید شمرد. افراد ملت ما افراد رنج کشیده و محروم، اکنون از جشن مهرگان، جشن میران و خسروان، نصیبی دارند... مهرگان نوجشن جنبش و کوشش روح ملی ماست. در این جشن دلها بایندهای درخشان امیدوار است.

مهرگان نو فرخنده باد! بدین ترتیب آقای خانلری در ۱۳۲۵ نیکو می شمرد که به تجلیل آن سنتی بپردازد که يك حزب انقلابی بسود توده ها احیاء می کند و در سال ۱۳۴۶ نیکو می شمرد که به تجلیل آن سنتی بپردازد که يك دربار مستبد بسود اشرافیت و ارتجاع برپا میدارد و از ایفاء این نقش سرا پدا متناقض احساس ناراحتی و جدانی نیز نمی کند. آقای خانلری سراینده قطعه بسیار زیبایی «عقاب» است: عقابی برای داشتن عمر دراز نزد کلاغی می رود. کلاغ او را به ساحل يك مرداب متعفن می کشاند و آن مرداب را نمابه «خوان الوانی» توصیف می کند که بهره مندی از آن بر طول عمر

دانشجویان مبارز! اتحاد در مبارزه بر ضد استعمار و استبداد بزرگترین درسی بود که شهیدان قهرمان ۱۶ آذر با نثار خون خود بما دادند. با کوشش در راه تحقق و تحکیم اتحاد مبارزان ضد استعمار و ضد استبداد، دین خود را بآنها ادا کنیم

دنباله از صفحه ۱

یادی از جنبش ۲۱ آذر

تحصیل بزبان مادری و غیره بخشی از اقدامات مثبت و مترقی حکومت دموکراتیک آذربایجان بود. نیروهای متحده ارتجاع و استعمار این جنبش مترقی را مانند همه جنبشهای مترقی و دموکراتیک شصت سال اخیر تاریخ کشور ما با ددمشی بی نظری در خون غرق کردند. بسیاری از سران و مجاهدان جنبش بشهادت رسیدند.

ارتجاع ایران همراه سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان جنبش دموکراتیک خلق کرد را که موازی با این جنبش انجام گرفته بود وحشیانه سرکوب کرد و سران محبوب آن محمد قاضی، صدر قاضی، سیف قاضی و دیگران را بشهادت رساند. در این روز که ارتجاع ایران خاطره جنایات خود را بصورت جشن و رژه نظامی برپا میدارد، ما بروان شهیدان پاکباز مردم آذربایجان و کردستان که بخاطر آزادی و استقلال ایران و حقوق حقه خلق خود در سنگرها، بالای دار، در میدانهای اعدام در شکنجه خانه ها و در اثر هجوم ترور بستیهای شاه و فئودالها از پای درآمدند درود میفرستیم.

وحدت خلقها ضامن پیروزی آنهاست

اینست عنوان یکی از تراکتهائی که در آستانه پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر اکبر از طرف تشکیلات تهران حزب توده ایران بخش شد. در این تراکتهائی از پیروزی های درخشان خلق شوروی و حزب کمونیست شوروی تجلیل شده و لنین بزرگ بمتابه پایه گذار و رهبر جاودان حزب کمونیست شوروی و تمام بشریت زحمتکش مورد تجلیل قرار گرفته است. در این تراکتهائی از اتحاد و یکپارگی خلقهای ایران و شوروی که ضامن رهایی مردم ایران از یوغ امپریالیسم و دست نشاندهگان آنهاست ابراز خرسندی شده است. موفقیت تشکیلات تهران در مورد پخش این تراکت ها موجب خرسندی است.

می افزایش. ولی عقاب مغرور ترجیح میدهد در اوج اثیر محو شود و برای افزودن چند روزی بر عمر خویش، تن به انحطاط لاشخوری نهد. می گویند مردم با ذوق تهران هنگامی که آقای دکتر نخستین بار از مجلس سنا سر در آورد گفتند: «عقاب لاشخور شد» و اینک این ادیب و شاعر در جاده انحطاط به منتهای حضض رسیده است. نه فقط انتشار «تاج نامه» بلکه دشنام گوئی بخاطره نویسنده بزرگ صادق هدایت بخاطر نوازش خاطر شاه، خود یکی دیگر از اعلام مقنع این انحطاط است.